

رساله در وضع ایران اثر میرزا علی خان امین الدوله

○ ربابه معنقدی

اعتراض‌هایی علیه وی صورت گرفت. «مردم برآشفتمند، کنکاش‌ها کردند و سخنان ناشایست گفتند، تا کار ربابه جایی رسانیدند که او را از حک و اصلاح باز داشتند، چون وساطت علما را هم نمی‌پذیرفت و دست و پای آنها را از مداخله به کار، جمع کرده بود، آنها هم در تخریب کار او می‌کوشیدند. طبقات نوکر و مقربان درگاه هم چون از بردن امتیازات و اضافه‌موجب و بعضی تعدیات به زیردستان محروم مانده بودند، آنها هم آتش فتنه را به او می‌زدند و مشتعل می‌کردند...»^۱

عدم موافقت و شاید ناتوانی وی در استقراض از دول خارجی به منظور مسافرت مظفرالدین شاه و معالجه وی در آب‌های معدنی اروپا نیز^۲ مزید بر علت شده، شاه را از وی رنجانید. امین‌الدوله در محرم سال ۱۳۱۶ پس از ده ماه صنارت معزول شد و همزمان با شورش مردم علیه مستخدمین بلژیکی در تهران که اسباب استخدام آنان در دوره صنارت امین‌الدوله چینه شده بود، وی همراه با معین الملک موفق گشت تا اجازه سفر به عتبات عالیات و مکه را بگیرند^۳ و ایران را برای منتهی ترک نمایند.

باقی عمر امین‌الدوله در لشت نشاء، ملک موروثی‌اش گذشت تا در ۱۳۲۲ ه. ق. به سن ۶۲ سالگی درگذشت و در همان محل به خاک سپرده شد.

از جمله اصلاحاتی که وی در طول صنارتش موفق به انجام آن شد، استخدام مهندسی و مستخدمین بلژیکی در پیشبرد امر گمرک^۴ و دعوت حسن رشدیه، معلم و صاحب مکتب قفقازی به تهران برای تأسیس مدارس به سبک جدید و همچنین تنظیم امور پست و تلگراف پیش از صنارت و در هنگام تصدی وزارت رسایل توسط وی را می‌توان نام برد.^۵ نسخه خطی رساله در وضع ایران حاصل سال‌های انزوا و زندگی علی‌خان امین‌الدوله در لشت نشاء است، که با خط شکسته بسیار زیبا در شصت و چهار صفحه شانزده سطری و به سال هزار و سیصد و بیست نگاهشته شده و توسط خان بابا مشار در سال هزار و سیصد و چهل و شش وقف کتابخانه آستان قدس رضوی گشته است.

موضوع کتاب همچنان که از نام آن پیداست، توصیفی کوتاه و مجملی از اوضاع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ایران در دوره ناصرالدین شاه و چند سال از سلطنت مظفرالدین شاه است. میرزا علی‌خان امین‌الدوله کوشیده است تا بدون اطناب و توضیح مفصل، مشکلات و نارسایی‌هایی که سبب رنجش خاطر بزرگان اصلاح‌طلب و نگرانی و اضطراب و حتی گهگاه شورش و بلوا در میان عامه مردم گشته است، ترسیم نماید.

رساله با توصیفی از حالات و عادات ناصرالدین شاه، خوشگذرانی‌ها و تفریحات مورد علاقه وی آغاز می‌گردد و بی‌هیچ پروایی، با رعایت احترامی ساختگی، از نقاط ضعف وی که وابستگی به صدراعظم در تصمیم‌گیری‌ها و اعتقاد به خرافات و داشتن طبعی علیل و بیمار بوده، یاد نموده و منتقد است «الحق پادشاه صورت سلطنت را به یک صفحه ناصافی تجلی

مستحسن و مصلاب است که از مصلحت عمومی خارج باشد.»^۶ با قتل ناصرالدین شاه و به سلطنت رسیدن مظفرالدین شاه، میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان که به شلت از حضور امین‌الدوله در دربار نگران و ناراضی بود، فرصت یافت تا رقیب را از میان خارج سازد لذا «بودن ایشان را در دربار دولتی و اقامت تهران صلاح ندیده رای مبارک شاهانه چنان اقتضا کرد که ایشان را به پیشکاری مملکت آذربایجان روانه دارند. وی در ماه صفر سنه هزار و سیصد و چهارده به پیشکاری آذربایجان رفته و الحق، آنجا نیکو حرکت کردند و مردم آن سرزمین را به تدبیرات چند از قحط و غلا نجات دادند.»^۷

با عزل میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان، در اواخر همان سال، چند ماهی وزارت داخله به مخیرالسلطنه هدایت سپرده شد و سپس هنگامی که وی با آکراه تمام مستعفی گردید و منصب موردنظر را به میرزا علی‌خان امین‌الدوله که از آذربایجان احضار شده بود، محول داشتند این تغییر و تحول نه تنها اسباب تعجب و خشم مخیرالدوله و پسرش مهدقلی هدایت گشت بلکه بسیاری از رجال صاحب نفوذ را نیز به فکر دسیسمچینی علیه وی اناخت.^۸

امین‌الدوله در طول صدارت کوتاه خود کوشید پاره‌های اصلاحات را که به نظرش ضروری بود، به پیش برد، اما سخت‌گیری در رعایت قانون و قطع برخی‌موجب و امتیازات و محاسبه دقیق تر مرسومات دیوانی معمول، همراه با سعایت مخالفان که رشته اصلی آن در دست امین‌السلطان بود، با هم قرین شد و تحریک عامه مردم را موجب گردید، در نتیجه

میرزا علی‌خان امین‌الدوله پسر حاج میرزا محمدخان مجدالملک به سال ۱۲۶۰ ه. ق متولد و در سن نوزده سالگی به نیابت اول وزارت خارجه - منصوب شد و در بیست و سه سالگی (۱۲۸۳ ه. ق) لقب منشی حضور یافت. در ۱۲۹۵ ه. ق. از سوی ناصرالدین شاه به سمت سفارت مخصوصی - به منظور ابلاغ تسلیت برای فوت امان‌ول، پادشاه ایتالیا و تهنیت جلوس هومبرت بر تخت پادشاهی - مامور دربار ایتالیا شد. دو سال بعد (۱۲۹۷ ه. ق) وزارت اوقاف را نیز علاوه بر مشاغل و مناصب گذشته بدست آورد و در سال ۱۲۹۹ به لقب امین‌الدوله ملقب گشت.^۹

در سال ۱۳۰۴ ه. ق توصیه و وساطت صدراعظم امین‌السلطان، همچنین سابقه و شهرت میرزا علی‌خان در افکار نو سبب گشت تا ناصرالدین شاه «جبه شمس مرصع و منصب ریاست شورا» را به وی واگذار کند.^{۱۰} این مجلس دو روز در هفته با ریاست امین‌الدوله و با حضور وزراء بطور منظم و اجباری و به منظور تقریر احکام و فرامین ناصرالدین شاه و ارائه نظر پیرامون آن فرمایشات برگزار می‌شد. اگر چه با ترتیب دادن مجلس شورا، شاه قاجار خیال نزدیک شدن به حکومت مشروطه و معمول جهانی را داشت،^{۱۱} اما عدم موفقیت این شورا و نداشتن کارایی مثبت آن، داستان مکرری است که در بسیاری از منابع تاریخی این دوره آمده و شاید شیرین‌ترین توضیح بر آن، نوشته رییس این مجلس، امین‌الدوله باشد: «این مجلس مرکب است از اجزای متفرق الخیال و منشعب الاحوال، بیانات آنها به استحضانات نقلی است نه به استحقاق عقلی، در این مجلس آن رای

نسخه خطی رساله در وضع ایران، حاصل سال‌های انزوا و زندگی علی خان امین الدوله در لشت نشاء و موضوع آن توصیفی کوتاه و مجمل از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران در دوره ناصرالدین شاه و چند سال از سلطنت مظفرالدین شاه است.

داده که عکس پیرای هیچ صورتی نیست و ابر جهانیانی به لطافت طبع، به شوره‌زاری مترشح است که جز خس و خاری چیزی از آن نمی‌روید.^{۱۳}

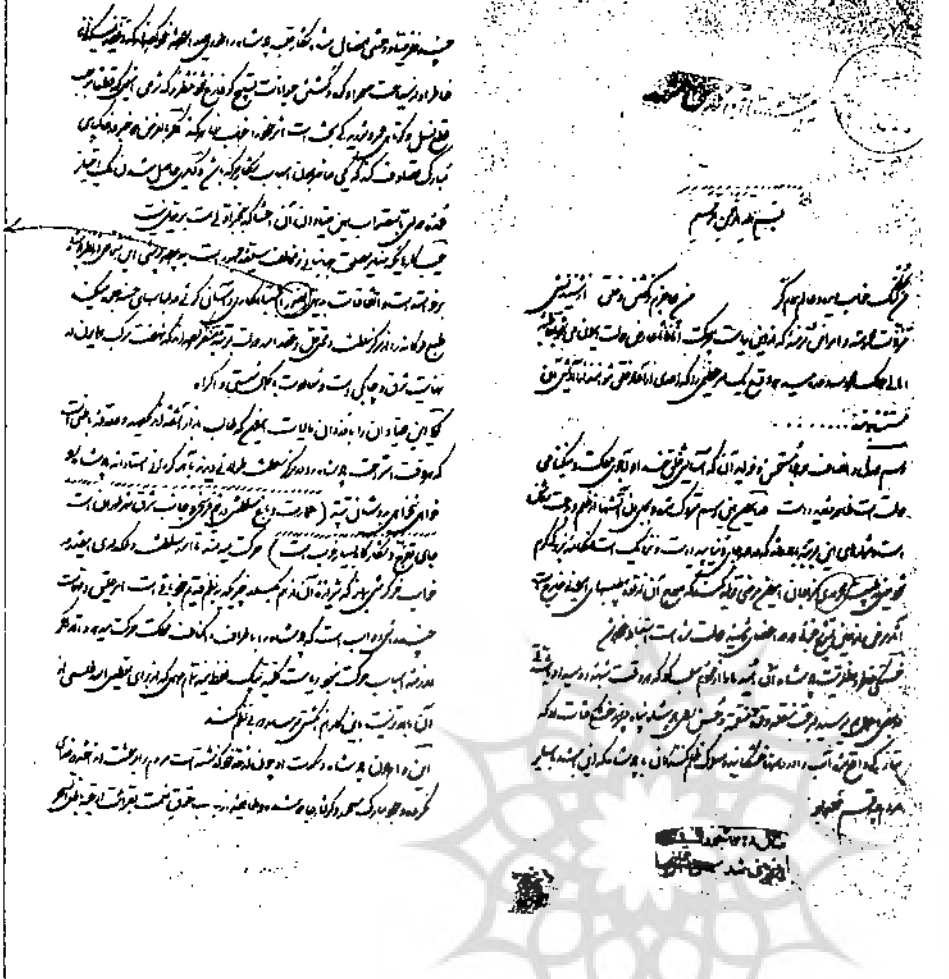
سپس به وصف اخلاق و سوء سیاست‌های صدراعظم پرداخته و در تبلیغ وی در کسب جاه و مال و گرفتن اراده و اختیار امور از پادشاه قلم زده، از بار عاها و سلام عام‌های وی و نحوه فروش حکومت‌ها و صدور احکام ناسخ و منسوخ و بی‌قیدی نسبت به اجرای اوامر ملوکانه در مواردی که خسارتی متوجه وی یا وابستگانش بوده و چگونگی حمایت از متعلقان و حقیران بزرگ نما و... سخن گفته و پس از آن شمه‌ای در ذکر افعال و احوال علمای دین بیان نموده و با بدبینی خاصی که در سراسر کتاب مشهود است آنان را به چند دسته تقسیم کرده و نیز مختصری به رشد صوفیگری و اعتقادات مختلف شیخی و بابی و حمایت ولیعهد از ایشان پرداخته است.

بخش مفصلی از رساله نیز به توضیح وضع مردم و چگونگی اخذ مالیات و انواع دریافت‌های اضافه بر مالیات مقرر، همچون «ترجمان» و «مقاوت عمل» که توسط حکمرانان در پایان سال به زور و جبر، به منظور جبران خسارت وارده از خرید حکومت و تادیه پیش‌کش‌های معمول و غیر معمول ایشان به صدر اعظم از «فقرا و ضغای ایران که بیشتر بار حکومت بر آنها وارد است»^{۱۴} را توضیح داده است. بی‌نظمی وضع مالیات و افزایش بی‌حساب تمداد مستوفیان تازه‌کار و کنار گذاشتن مستوفیان کاردان و لایق قدیم و تغییر مداوم کتابچه‌های مرسومات دیوانی مواجبه بگیران نیز از جمله مطالبی است که در این قسمت به عنوان مشکلاتی دیگر از دید تیزبین امین‌النوله پنهان نمانده است.

افزایش و تشدید مهاجرت مردم طبقه متوسط و گریختن آنها به بلاد همسایه، به دلیل هرج و مرج و عدم امنیت و همچنین معضل بازگشت «مسترفنگ‌ها یا شتر مرغ‌های ایرانی» که از پطرسبورگ و سایر بلاد خارجه برگشته بودند و دولت ایران مبلغ‌های هنگفتی در راه تربیت ایشان هزینه کرده بود، در حالی که «از علم دیپلمات و سایر علوم‌ی که به تعلیم آن مامور بودند معلومات ایشان به دو چیز حصر شده استخفاف ملت و تخطئه دولت»^{۱۵} نیز از موارد دیگری است که در شمار مشکلات جامعه ایرانی و توصیف اوضاع اجتماعی در این رساله به آن پرداخته شده است.

«باز بودن دست عاملین و حکام در اتهام بستن به مخالفین خود که ایجاد مزاحمتی نموده» یا آنان که «صاحب مال و مکتب چشمگیر بوده و مصادره اموالشان به هر بهانه واتهام، دلیلیز و گوارا بود» نیز از جمله معضلات اجتماعی بوده که مؤلف مکرر به آن اشاره کرده است.

نویسنده رساله پس از توصیف اوضاع اجتماعی به توضیح وضع شاهزادگان و حکمرانان و وصف احوال و رفتار آنان پرداخته و از هر کدام ذکری و یادگی نموده است. از جمله این حکمرانان مجتال‌النوله و حمزه میرزا، امیر جنگ هستند. حکومت حمزه



میرزا در خراسان و بر خورد غیر منصفانه وی با اللهیار خان دره‌گری و درگیری با ترکمانان و عدم توفیق او در سرکوب آنان که به زعم امین‌النوله حاصل پیمان‌های نهانی و همدستی آنان با یکدیگر بوده سخن رانده و این همکاری پنهان را بخاطر انتفاع حکام از وجود نامنی در مناطق سرحدی و شراکت در ماحصل ایلتار ترکمانان و ایجاد جنگ‌ها و نبردهای ساختگی و گرفتن امتیازات و القاب متعدد از دولت به دلیل رشادت‌ها و دل‌آوری‌های نداشتن می‌داند. امین‌النوله با مقایسه شیوه برخورد ایران و روسیه با ترکمانان یاغی می‌نویسد:

«دولت ایران عوض اینکه مثل دولت روس، با پیش بردن آبادی و استحکامات مدنیه، ترکمانان را ضعیف کند، هر یک از ولایات سرحدیه خراسان را یک سلطان نشین معتبری کرده تا مگر سلاطین مزبور به بزرگی کلاه و برق آقا قیش نقره و قبای الیجه سرخ، ترکمانان را تهدید کند. سلاطین مزبور چون دوام سلطنت خود را در ایقایی ترکمانان و اغتشاش دائمی سرحد می‌دانند هرگز به قلع و قمع، بلکه به رنجش ترکمانان راضی نمی‌شوند...»^{۱۶}

کیومرث میرزا و میرزا مسیح مازندرانی، حکمرانان شاهرود و بسطام، و ظل‌السلطان که به عراقین حکومت داشت نیز در همین قسمت هدف نیش زبان و بیان زیبا و تند امین‌النوله قرار گرفته‌اند. در چند جمله موزون، تقریباً تمام صفات و معایب مسعود میرزا ظل‌السلطان، بی‌آنکه بطور مشخص نامی از وی برده شود چنین توصیف شده است: «سرحدناری عراقین و حکومت آن صفحات به عهده غرابی است ذات البین که

همه این ولایت را ملک موروث خود و خانه قدیم خود می‌داند و در احتکار گندم و جو و نان و لومان ظلم و جور مقتنای حکام و امام همه است. این کحلی چشم کلهر خشم که گویا تازه از غازه مشاطه فارغ شده در افکن و افراز پیری به عشوه‌گری و عاشق‌گیری جهدی دارد وقتی لقب او ماه منقش و حالا به مارخوش خط و خال معروف است. املاک مردم را به سموم شراکت خود چنان زهر آلود کرده که یک نفر از شرکاء، از زهره آن نیست حق خود را تصاحب کند. دعاوی قنیمه و دواعی حکمرانی دست به دست هم داده نواب والا را مالک بالاستحقاق کرده...»^{۱۷}

سپس به توضیح وضعیت قشون و قورخانه و اجزای آن پرداخته در کیفیت غنا و جیره و مواجب و لباس و مناخل رؤسای لشکر و ترسیدن حقوق سربازان و کتابچه‌های تنظیمات قشون و بهره‌وری‌ها و برداشت‌های نامعمول و غیرمجاز از قورخانه و مهمات و سوءاستفاده‌های صدراعظم و وزیر لشکر و درگیری‌های رجال با یکدیگر که در نهایت آسیب آن به سربازان قشون رسیده و گهگاه سبب تنبیه‌های نابجا و تخطئه‌های نابحق شده است. با تفصیل بیشتر پرداخته است: «ظلم و ستم رجال دولت ایران تنها به رعیت ایران نیسته طبقه سپاهی ایران را از جمیع عالم مظلوم‌تر می‌بینم... از روزی که به نوکری مجبور می‌شود دچار گرسنگی و عربانی است و در مقابل این نو خصم جان، گاه راه خلاص خود را بسته می‌داند. جانفشانی و جان‌نثاری که از القاب چاکران خاص شاهی است پیشنهاد خود کرده تا روزی که روح پرفروغ او به امید وجه‌براهت، قبض می‌شود و به درجه شهادت می‌رسد هر روزی هزار بار می‌میرد و زنده می‌شود.»^{۱۸}

بخش مفصلی از رساله

به توضیح وضع مردم و چگونگی
اخذ مالیات و انواع دریافت‌های
اضافه بر مالیات مقرر، همچون «ترجمان» و
«تفاوت عمل» که توسط حکمرانان
در پایان سال به زور و جبر،
به منظور جبران خسارت وارده از خرید
حکومت و تأدیه پیشکش‌های معمول و
غیر معمول ایشان به صدراعظم
از «فقرا و ضعفاى ایران که بیشتر
بار حکومت بر آن‌ها وارد است را
توضیح داده است.»

در این رساله در این باب است که در وقت
دولت اهلکامه در این زمانه که در وقت
توسعه طلبی روسیه و خیال تملک بحر خزر و تصرف گیلان،
همچنین ناامیدی انگلستان از همراهی ایرانیان در پیشگیری
از رشد بیشتر روسیه و در نتیجه تلاش در جهت استقلال
افغانستان و نیز جدی نگرفتن برقراری ارتباط دوسویه با ایران
از جانب دولت فرانسه و دشمنی دیرینه عثمانی با ایران بر سر
خاک و مسایل مرزی و مذهبی و تجلی آن در حمایت از یاغیان
ایرانی و درج مطالب مغرضانه نسبت به ایران در مطبوعات آن
کشور، همگی از جمله مسایلی است که آخرین صفحات این
رساله را به خود اختصاص داده است.

از این جهت در این رساله در این باب است که در وقت
دولت اهلکامه در این زمانه که در وقت
توسعه طلبی روسیه و خیال تملک بحر خزر و تصرف گیلان،
همچنین ناامیدی انگلستان از همراهی ایرانیان در پیشگیری
از رشد بیشتر روسیه و در نتیجه تلاش در جهت استقلال
افغانستان و نیز جدی نگرفتن برقراری ارتباط دوسویه با ایران
از جانب دولت فرانسه و دشمنی دیرینه عثمانی با ایران بر سر
خاک و مسایل مرزی و مذهبی و تجلی آن در حمایت از یاغیان
ایرانی و درج مطالب مغرضانه نسبت به ایران در مطبوعات آن
کشور، همگی از جمله مسایلی است که آخرین صفحات این
رساله را به خود اختصاص داده است.

از این جهت در این رساله در این باب است که در وقت
دولت اهلکامه در این زمانه که در وقت
توسعه طلبی روسیه و خیال تملک بحر خزر و تصرف گیلان،
همچنین ناامیدی انگلستان از همراهی ایرانیان در پیشگیری
از رشد بیشتر روسیه و در نتیجه تلاش در جهت استقلال
افغانستان و نیز جدی نگرفتن برقراری ارتباط دوسویه با ایران
از جانب دولت فرانسه و دشمنی دیرینه عثمانی با ایران بر سر
خاک و مسایل مرزی و مذهبی و تجلی آن در حمایت از یاغیان
ایرانی و درج مطالب مغرضانه نسبت به ایران در مطبوعات آن
کشور، همگی از جمله مسایلی است که آخرین صفحات این
رساله را به خود اختصاص داده است.

از این جهت در این رساله در این باب است که در وقت
دولت اهلکامه در این زمانه که در وقت
توسعه طلبی روسیه و خیال تملک بحر خزر و تصرف گیلان،
همچنین ناامیدی انگلستان از همراهی ایرانیان در پیشگیری
از رشد بیشتر روسیه و در نتیجه تلاش در جهت استقلال
افغانستان و نیز جدی نگرفتن برقراری ارتباط دوسویه با ایران
از جانب دولت فرانسه و دشمنی دیرینه عثمانی با ایران بر سر
خاک و مسایل مرزی و مذهبی و تجلی آن در حمایت از یاغیان
ایرانی و درج مطالب مغرضانه نسبت به ایران در مطبوعات آن
کشور، همگی از جمله مسایلی است که آخرین صفحات این
رساله را به خود اختصاص داده است.

ویژگی‌های نشر امین‌الدوله استفاده از رموزها و کنایه‌هاست. کمتر
جمله‌ای در متن به چشم می‌خورد که در آن راز و رمزی نهفته
نیاشد و این کنایات و استعارات و اشارات آن چنان استفاده شده
که بی مطالعه تاریخ این دوره و بدون اطلاع قبلی از اصل وقایع،
درک آن ممکن نیست.
اما شاید بتوان گفت یکی از مهمترین معایب و کاستی‌های
این اثر عدم رعایت بی‌طرفی و انصاف و غرض ورزی‌های گاه
حتی شخصی است که با بی‌دقتی نویسنده در ذکر ترتیب وقایع
همراه شده و خواننده را در قضاوت درباره اثر و مسایل مختلفی
که در آن آمده است با مشکل و تردید مواجه می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. این نسخه خطی با مشخصات: امین‌الدوله، علی‌خان: رساله
در وضع ایران، خط شکسته ۱۹ سطری، طول ۲۱ و عرض ۱۲ سانتیمتر،
عند اوراق ۲۲، سال تحریر ۱۳۲۰، به شماره عمومی ۹۷۱۲، واقف:
خان بابا مشار، تاریخ وقف: اردیبهشت ۱۳۴۶، کتابخانه آستان قدس
رضوی مورد معرفی قرار گرفته است.
۲. افضل الملک، غلامحسین: افضل التواریخ، به کوشش
منصوره اتحادیه و سیروس سعادت‌نویان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱،
ص: ۲۳۸.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان: روزنامه خاطرات، به
کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵، ص: ۵۷۹.
۴. امین‌الدوله علی‌خان: خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ
فرمانفرمایان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۱، ص: ۵۴.
۵. امین‌الدوله: رساله در وضع ایران، ص: ۴۹.
۶. افضل الملک: افضل التواریخ پیشین، ص: ۳۳۹.
۷. هدایت مهدیقلی: خاطرات و خطرات (توشه‌ای از تاریخ
شش پادشاه و گوشه‌ای از زندگی من)، تهران، کتابفروشی زواره، چ ۲،
۱۳۳۴، صص ۱۰۴-۵.
۸. افضل الملک: افضل التواریخ پیشین، ص: ۲۲۴.
۹. براون، ادوارد: انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهدی
قزوینی، تهران، کویر، ۱۳۲۶، صص ۴-۱۰۳.
۱۰. هروی، محمدرحیم‌نویس: عین الوقایع، به کوشش محمد آصف
فکر، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۳۲، صص ۱۳۴ و ۱۲۷.
۱۱. هدایت: خاطرات و خطرات، پیشین، ص: ۱۰۷.
۱۲. همان، ص: ۱۱۰.
۱۳. امین‌الدوله، رساله در وضع ایران: ص: ۳.
۱۴. همان، ص: ۸.
۱۵. همان، ص: ۱۲.
۱۶. همان، صص ۱۷-۱۶.
۱۷. همان، ص: ۱۹.
۱۸. همان، ص: ۲۲.

مردمی شمرده و اعراض مردم از دولت و اقدام به انتخاب
حکومتی دیگر را پیش‌بینی نموده است.
در زمینه روابط خارجی، دولت‌های قدرتمند آن روزگار را
مورد توجه قرار داده و چگونگی ارتباط ایران با آنان و توقعات
آن دولت‌ها از ایران را مورد بررسی قرار داده است. تبیین سیاست
توسعه‌طلبی روسیه و خیال تملک بحر خزر و تصرف گیلان،
همچنین ناامیدی انگلستان از همراهی ایرانیان در پیشگیری
از رشد بیشتر روسیه و در نتیجه تلاش در جهت استقلال
افغانستان و نیز جدی نگرفتن برقراری ارتباط دوسویه با ایران
از جانب دولت فرانسه و دشمنی دیرینه عثمانی با ایران بر سر
خاک و مسایل مرزی و مذهبی و تجلی آن در حمایت از یاغیان
ایرانی و درج مطالب مغرضانه نسبت به ایران در مطبوعات آن
کشور، همگی از جمله مسایلی است که آخرین صفحات این
رساله را به خود اختصاص داده است.

مطبوعات نیز موضوعی است که به نسبت حجم کم
رساله، بطور مفصل‌تری به آن پرداخته و روزنامه را آنچنان که
در زمان تألیف کتاب بوده، از یکسو و آنچه باید باشد از سوی
دیگر، مورد بررسی قرار داده است. وی مطبوعات ایران را با
مطبوعات و آزادی طبع و نشر در ممالک دیگر خاصه عثمانی
و اروپا مقایسه نموده و آنچه در روزنامه ایران طبع می‌شود را
اسباب خنده و صحبت در بلاد خارجه می‌داند.
همچنین در اواخر رساله نقل قول‌هایی از روزنامه‌های
«زوراء» چاپ بغداد و روزنامه «مشرقی» و دیگر مطبوعات
خارجی در مورد بی‌قانونی و وضعیت ناسامان حکومت ایران
ارائه شده است.
بلوای نان در عصر ناصری و قحطی و سبب‌های آن و
همدستی میرزا عیسی مازندرانی با صدراعظم و گرفتن وجوه
مختلف به بهانه‌های گوناگون از خزانه مملکتی - بی‌حساب و
کتابی وزارت مالیه و مصادره بی‌حد و حصر اموال متمولین به
بهانه‌های مختلف و قبح و زشتی عمل ضبط ثلث اموال اموات
توسط دیوان اعلی که در دوره مورد بحث معمول گردید و در
نتیجه موجب گریز و مهاجرت و اعراض از تبعیت دولت ایران
توسط تجار و بازرگانان شد، نیز همگی از مطالبی هستند که به
طور اجمال در این کتاب به آن‌ها اشاره شده است.
قانون نیز از دیگر مباحثی است که امین‌الدوله در متن
مزبور، اگرچه به طور نامنظم اما به کرات به آن پرداخته است.
او قانونمندی را شرط تمدن و لازمه بقای یک حکومت دانسته
و نبودن قانون در حکومت ایران را مقدمه‌ای بر وقوع انقلابی

کتاب شاه تاریخ و جغرافیا / دی ماه ۱۳۳۸